

یکسال از اسارت ۲۵ سال گذشت

سالگرد برجام

امیر فیض- حقوقدان

این روزها مصادف است با سالگرد برجام، تفسیر برجام در دو کلمه این است:

تعطیل فعالیت اتمی ایران و تسلط ۲۵ ساله آمریکا

و دیگر هر چه درباره برجام گفته میشود مانند حبابها و زیورآلات مصنوعی است که معمولاً به درخت کریسمس آویزان میکنند، تابى جان بودن درخت کریسمس دیده نشود.

رویدادهای بزرگ تاریخی و اجتماعی و سیاسی معمولاً از مخرج دستاوردهای نهائی آنها شناسنامه میشوند و همانطور که دستاورد جنگ جهانی اول و دوم به تسلیم آلمان و تعطیل فعالیت های نظامی آن کشور و استقرار ۵۰ ساله نیروهای متفقین در خاک آلمان برای کنترل فعالیت جنگی مجدد آلمان بعمل آمد (اکنون ۷۰ سال است که استقراریروهای آمریکائی در آلمان ادامه دارد) که به قراردادهای ورسای و پوتسدام منجر شد، همانطور هم:

نتیجه ۱۲ سال جنگ و مخفی کاری جمهوری اسلامی در رابطه با فعالیت های هسته ای به قراردادی منجر شد که برجام نامیده میشود که این روزها اولین سالگرد آن نکبت تاریخی است.

تشابهات قرارداد تسلیم آلمان و برجام

تشابهات ویا قیاس که از ابزار مهم ارزیابی و دستاوردها نسبت به موارد است معمولاً سبب باز شدن روزنه هائی میگردد که در شرائط عادى و بدور از جریان مقایسه و تشابهات نمیتوان به آن رسید.

تشابهات بین برجام و قرارداد تسلیم آلمان را میتوان در آرتیکل های زیر جستجو کرد:

*** — آلمان به تصمیمات جامعه ملل احترامی نگذاشت و جمهوری اسلامی هم به تصمیمات شورای سازمان ملل اهمیتی نداد؛ آلمان ها تصمیم جامعه ملل را بی اعتبار خواندند و جمهوری اسلامی هم قطعنامه شورای امنیت را کاغذ پاره نامید.

*** — بین آلمان و متفقین که در واقع همین کشورهای ۱+۵ (با تغییرات کوچکی) بودند قرارداد های خلع سلاح آلمان بنام ورسای و پوتسدام بسته شد و بین همان کشورها باضافه آلمان قرارداد برجام به امضا رسید.

******* - در مقدمه قرارداد ورسای آمده است <متفقین برای جلوگیری از جنگ بزرگ دیگری معاهده ورسای را پیشنهاد دادند> و در مقدمه توافق نامه ژنو هم آمده.

<گروه ۵+۱ (ایالات متحده آمریکا، بریتانیا، آلمان، فرانسه، روسیه و چین به کمک اتحادیه اروپا) در مذاکرات جدی و اساسی با ایران با هدف رسیدن به راه حلی دیپلماتیک و قابل راستی آزمائی که مانع دستیابی ایران به سلاح هسته ای شود شرکت داشته اند.>

وجه مشترک قرارداد ورسای و پوتسدام با برجرام در خلع سلاح آلمان از سلاح های جنگی متعارف روز و از ایران خلع سلاح فعالیت های هسته ای است.

******* - در اجرای قرارداد ورسای؛ آلمان از قدرت نظامی خلع شد و کارخانجات اسلحه سازی آلمان تعطیل گردید؛ درست همین ضایعه در برجرام بر سر ایران آمده است؛ فعالیت های هسته ای در همه ابعاد از صلح آمیز و غیره نه تنها تعطیل که برای اولین بار در جهان جایگاه های آن با بتن پر شد؛ و ماشین آلات فعالیت های هسته ای ایران به آهن پاره مبدل گردید.

******* - طبق قرارداد ورسای مردم آلمان مقصر شروع جنگ شناخته شدند و ۱۰۰ میلیارد خسارت جنگی به گردن ملت آلمان افتاد.

******* - در توافقتنامه ژنو ذکری از خسارات ناشیه از فعالیت های هسته ای ایران و تحریم هایی که به آمریکا و کشورهای اروپائی وارد شده نگردیده و این بدان منظور است که خسارات ناشیه به کشورها و تامین آنها از سوی شورائی که از نظر شورای امنیت متجاوز شناخته شوند بعهده کشور متجاوز است (منشور سازمان ملل) لذا با بودن نص ذکر آن در برجرام و یا توافقتنامه ژنو لازم نبوده و معمول نیست؛ خاصه به اینکه صراحت تعلق خسارت به کشورهای زیان دیده از موارد منشور سازمان ملل متحد است.

******* - اینکه در رابطه با برجرام اصلا و ابدا صحبتی از حداقل ۱۰۰ و حد اکثر ۲۸۰ میلیارد از دارائی های بلوکه شده ایران نمیشود و آمریکائیها با رقم مزبور بازی میکنند و جمهوری اسلامی هم فقط حالت تماشا رادارد.

مبنای همان خساراتی است که کشورهای ۵+۱ و اتحادیه اروپا از تحمیل خسارات ناشیه از تحریم ها خود را مستحق آن میدانند (در این مورد قبلا در تحریرات ارانه دلیل و توضیح شده است).

حق نظارت بر آلمان و راستی آزمائی بر ایران

******* - تشابه دیگری که بسیار قابل تامل و همه مضرات برجرام را تحت الشعاع قرار میدهد؛ حق راستی آزمائی ۲۵ ساله بر فعالیت های جمهوری اسلامی است همین حق را متفقین برای خود در آلمان و ژاپن قائل شدند که تاکنون هم ادامه دارد آمریکا در ژاپن ۱۲۴ پایگاه نظامی دارد و سالهاست که مردم ژاپن خواستار توقف پایگاه های آمریکائی هستند و فریادشان بجائی نرسیده است که تازه ترین آنها همان

تظاهرات اوکیناوا و تجاوز یک سرباز آمریکایی بیک دختر ژاپنی است که هنوز هم ادامه دارد. آلمان با همه توان اقتصادی و موقعیت سیاسی و هماهنگی با آمریکا نتوانسته از غدد چرکین آن نظارت که بصورت پایگاه های نظامی آمریکا در سرتاسر آلمان مستقر است رها شود.

همین مسئله نظارت و کنترل نظامی آمریکا، گریبان استقلال و تمامیت ارضی ایتالیا و حتی انگلستان که کنار آمریکا در جنگ جهانی قرارداد داشت را گرفته است.

******* - جالب به اشاره است که بر اساس گزارش منتشره از سوی سازمان غیردولتی حسابرسی پایگاههای نظامی آمریکا (کاب) آمریکا در حال حاضر بیش از ۱۰ پایگاه رسمی نظامی در خاک انگلیس دارد که تمام پایگاه های آمریکا در خاک انگلستان بدون تابلو و تحت نام پایگاه نیروهای هوایی سلطنتی انگلیس شناخته میشوند و ۱۷ هزار نظامی آمریکا در آن پایگاه ها فعالند. «تاسیس پایگاه های نظامی آمریکا در خاک انگلستان بر سالهای جنگ جهانی دوم باز میگردد در آن سال انگلیس ها از آمریکا دعوت کردند تا برای بمباران راحت تر نیروی آلمان نازی هواپیماهای بمباران خود را در آن کشور (انگلستان) مستقر کنند و پس از پایان جنگ بخشی از نیروهای آمریکا در انگلستان باقی ماندند که هنوز هم هستند.

شورای کنترل = هیئت راستی آزمائی

******* - متفقین شامل آمریکا و فرانسه و انگلیس و روسیه برای کنترل آلمان و خلع نظامی آن کشور از دسترسی به سلاح های جنگی شورای کنترل تشکیل دادند.

«سرزمین آلمان تحت قیمومت چهار کشور فاتح جنگ در آمد و اداره کشور توسط شورای کنترل مرکب از فرماندهان کل کشور بریتانیا - فرانسه - شوروی و آمریکا انجام گرفت».

و همین کار را همان کشورها در کنترل فعالیت هسته ای ایران تحت عنوان هیئت راستی آزمائی در قرارداد برجام پیش بینی کردند که درست در سر رسید مقرر؛ آقای کری وزیر خارجه آمریکا آقای استون مال از اعضای وزارت امور خارجه را بسمت ریاست هیئت هماهنگ کننده بمنظور نظارت بر محدودیت فعالیت های هسته ای جمهوری اسلامی انتخاب کرد؛ آقای استون مال هم در کنگره آمریکا گفت:

«وظیفه هماهنگ کننده اصلی برجام این خواهد بود که مطمئن شود ایران به گامهائی که برای توان هسته ای اش تعهد کرده است پایبند میباشد».

آقای کری وزارت خانه هائی که در مسیر فعالیت هماهنگ کننده برجام قرار خواهند داشت وزارت خارجه آمریکا - خزانه داری آمریکا - انرژی - امنیت داخلی - تجارت - دادگستری - دفاع - سازمان های اطلاعاتی و امنیتی و کمیسیون های قانونی از ابزار وظائف آقای استون مال خواهند بود.

اقتدار و دامنه وسیع هماهنگ کننده برجام که در مسیر راستی آزمائی (مسیرش کجاست و به کجا ختم میشود همان داستان تاکجا آباد است) حرکت خواهد کرد از وزارت خانه هائی که عمه های در اختیار آقای استون میباشد معلوم میشود تقریباً تمام نیروی اجرایی و قضائی و اطلاعاتی آمریکا ابزار هیئت هماهنگ کننده خواهد بود.

حیات افتراق

******* - بین قرارداد صلح متفقین با آلمان که منجر به قرارداد صلح پوتسدام شد و قرارداد برجام گروه ۵+۱ با ایران دو تفاوت وجود دارد.

تفاوت اول: با آنکه طرف برجام کشورهای ۵+۱ و آلمان هستند معهذاً برخلاف قرارداد پوتسدام که هر ۴ کشور طرف قرارداد در شورای کنترل عضویت داشتند در برجام فقط آمریکا انتخاب کننده و تشکیل دهنده هیئت راستی آزمائی (تحت عنوان هماهنگ کننده) است و هیچ دلیل و سندی دانه اصلت این اقدام تاکنون منتشر نشده است؛ و معلوم نیست که آمریکا قیم کشورهاست و یا حقوق آنها را معامله و یا غصب کرده است.

تفاوت دوم بسیار مهم، این است که پس از امضای قرارداد صلح (پوتسدام) بین آلمان و متفقین دیگر مسئله جنگ بین آلمان و متفقین پایان یافت و کشورهای طرف قرارداد در مسیر صلح قرار گرفتند ولی در برجام برخلاف تمام ضوابط حقوق بین الملل همچنان حالت جنگ بین آمریکا و جمهوری اسلامی دوام یافت، تاجائی که زمامداران جمهوری اسلامی در هر فرصتی حالت جنگ و دشمنی بین ایران و آمریکا را زنده نگه داشتند و متقابلاً آمریکا هم، کماینکه آقای باراک اوباما صریحاً گفت: <شما با دوست خود قرارداد نبسته اید با دشمن خود قرارداد بسته اید> و دولت جمهوری اسلامی هم در گزارش به مجلس گفت که <جنگ ما با آمریکا پایان نیافته است>.

******* - این نکته توجه کردنی است که اعلام ادامه جنگ و خصومت بین آمریکا و جمهوری اسلامی و برعکس تنها یک شعار نیست و کوچکترین اثر حقوقی آن کارشکنی طرفین برجام در انجام تعهدات و از آن جمله جلوگیری از تسهیلات بانکی و یا تحریم ها و حتی فعالیت های تسلیحانی است زیرا مفهوم حالت جنگی اصرار در ایجاد محدودیت های جدید و یا لااقل حفظ موانع و تضییقات را لازم میسازد و لذا حالت جنگی و خصمانه ای که جمهوری اسلامی در حفظ آن اصرار دارد با تضییقات بانکی و اثرات ناشی از تحریم و جلوگیری از فعالیت های موشکی رابطه مستقیم دارد. بنابراین بنظر میرسد که جمهوری اسلامی بهر دادگاهی در مورد عدم اجرای برجام از آمریکا شکایت کند، بمناسبت حالت جنگی که بین ایران و آمریکا قائل است دستش خالی خواهد ماند زیرا در جنگ نان و حلوا خیر نمیکنند. در حالت جنگ و دشمنی بین جمهوری اسلامی و آمریکا که فرمانده سپاه جمهوری اسلامی میگوید دشمن اصلی ما آمریکاست حفظ تحریم ها و موانع بانکی سلاح دفاع آمریکا محسوب است شاید هم به همین ملاحظه است که جمهوری اسلامی فقط نق تحریم ها را میزند و جرات رفتن به کمیسیون حل اختلاف که در برجام مقرر شده را ندارد.

راستی آزمائی و حمله نظامی آمریکا

مسئله راستی آزمائی ۲۵ ساله آمریکا در برجام درست است که پایگاه قانونی برای برقراری سلطه آمریکا بمدت ۲۵ سال در ایران خواهد شد ولی وجود حالت جنگ بین جمهوری اسلامی و آمریکا (بنابراعلام) از هم اکنون مسئله راستی آزمائی و هیئتی راکه آمریکا بنام هماهنگ کننده برای امور برجام در ایران تعیین کرده در ردیف وسائل نظامی آمریکا علیه ایران به حساب آورده است چنانکه آقای اشتون کارتر وزیر دفاع آمریکا گفته است.

> آقای اشتون کارتر در مقاله ای در روزنامه یواس آتودی در ۱۳/۶/۹۴ نوشت هرگونه اقدام نظامی علیه ایران با وجود برجام موثر خواهد بود، تسهیلات هسته ای کوچکتر خواهد شد و راستی آزمائی اطلاعات بیشتری را برای اقدام نظامی علیه ایران در اختیار آمریکا قرار میدهد <

نمونه ای در تأیید اظهار نظر آقای اشتون کارتر

> آمریکا توانست با استفاده از جاسوسانی که در آژانس اتمی داشت و بازرسی های ۱۰ ساله آژانس در امور عراق کاملا از مکانها و سازمان های نظامی عراق مطلع بشود بهمین دلیل بود که پس از ورود به بصره در جنوب عراق چون میدانستند که راه بصره بسوی بغداد کاملا پوشش نظامی دارد برخلاف انتظار همگان به طور مستقیم از وسط بیابانها نه جاده ها تا بغداد پیشروی کردند چونکه از تمام زیربوم های عراق طی ۱۰ سال بازرسی ماموران آژانس اتمی با خبر بودند.<

(از یادداشت های جنگ عراق و آمریکا)

۲۵ سال خواب و خیال است

اکنون یکسال از ۲۵ سالی که سلطه قانونی آمریکا در ایران بموجب برجام شناخته شده است گذشته است ظاهرا بایستی منتظر گذشت ۲۴ سال دیگر یعنی ۶ دولت در جمهوری اسلامی (غاصب ایران) باشیم ولی این خیال و تصور بکل باطل است به دودلیل:

دلیل اول ماهیت سیاست آمریکا

نگاه کنید به کلیه کشورهایی که به آمریکا بهر عنوان پایگاهی اعم از سیاسی و یا نظامی داده اند که گرچه مدت دار بوده ولی چیزی که اصلا مطرح نبوده همان پایان مدت و تخلیه پایگاه سیاسی و یا نظامی است به آلمان و کره جنوبی و ایتالیا و افغانستان و کشورهای خلیج فارس و کشورهای آمریکای جنوبی و سرتا سر دنیا نگاه کنید، آمریکا همینکه در کشوری ناخن بند کرد همانجا برای همیشه خوابیده است.

گرچه بنا بر اظهارات شخصیت های مقامی آمریکایی از آنجمله ریچارد نفیر از اندیشکده بروکینگز مدت راستی آزمائی نامحدود خواهد بود و برخی هم مدعی شده اند که حداقل ۵۰ ساله است ولی اکنون اظهار نظری که از یک محقق خارجی در سال ۱۹۴۵ یعنی ۷۱ سال قبل انتشار یافته ارائه میگردد که بازگو کننده سیاست آمریکا در تسلط بر کشورهای از طریق پایگاه نظامی و یا سیاسی از پایان جنگ جهانی دوم است.

شهادت ۷۱ سال قبل

> پایان جنگ با آلمان توسط بسیاری از متحدان در سال ۱۹۵۰ اعلام شد؛ آلمان غربی خواهان پایان دادن به حالت جنگی بود ولی این درخواست نمیتواند اجابت شود. آمریکا حالت جنگ با آلمان را به دلایل حقوقی نگاه داشت ولی آنرا تا حدودی منعطف ساخت (چنانکه آمریکا در مورد تحریم ها و برجام انعطافهای کم و بیش از خود نشان داد) > ایالات متحده میخواست برای حفظ یک مبنای قانونی برای نگه داشتن نیروهای آمریکایی در آلمان غربی توجیهی داشته باشد <

مبنای قانونی که مگازین درمورد سیاست آمریکا در آلمان اشاره کرده همان راستی آزمائی است که در برجام پیش بینی شده است چراکه با تصویب برجام بصورت ماده واحده درمجلس اسلامی همان سیاست آمریکا درمورد پایگاه نظامی در آلمان بصورت قانونی نسبت به ایران درآمده است.

دلیل دوم موکول به فرصت دیگری